

ژاک لاکان

تقدیم به مینو  
محمد علی جعفری

تقدیم به پدر و مادرم که به من زندگی بخشیدند  
سید محمد ابراهیم طاهائی

---

Homer, Sean سرشناسه: هومر، شون، ۱۹۵۹ - م.  
عنوان و نام پدیدآور: ژاک لاکان / شون هومر؛ ترجمه محمد علی جعفری،  
محمد ابراهیم طاهائی.  
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۸۸.  
مشخصات ظاهری: ۲۰۴ ص.  
شابک: 978-964-311-845-7  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
یادداشت: عنوان اصلی: *Jacques Lacan, c2005*  
موضوع: لکان، ژاک، ۱۹۰۱ - ۱۹۸۹ م.  
*Lacan, Jacques:* موضوع: روانکاری  
موضوع: روانکاری  
شناسه افزوده: جعفری، محمد علی، ۱۳۵۸ -، مترجم.  
شناسه افزوده: طاهائی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۰ -، مترجم.  
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۱۳۲۲/۹۴۳۷ BF  
رده‌بندی دیویی: ۱۵۰/۱۹۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۱۹۳۷۶

---

# ژاک لاکان

شون ھومر

ترجمہ: محمد علی جعفری

سید محمد ابراھیم طاھائی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

**Jacques Lacan**

Sean Homer

Routledge, 2005



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

\* \* \*

شون هومر

ژاک لاکان

ترجمه محمدعلی جعفری و

سید محمدابراهیم طاهائی

چاپ سوم

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۹۲

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۷ - ۸۴۵ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 845 - 7

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

*Printed in Iran*

۷۵۰۰ تومان

## فهرست

چرا لاکان؟	۱۱
لاکان در زمینه	۱۴
آوازهٔ بحث‌انگیز	۱۸
خواندن لاکان	۲۱
این کتاب	۲۷
ایده‌های اصلی	۳۱
۱. امر خیالی	۳۳
زمینه و تأثیرات	۳۵
پدیدارشناسی	۳۶
روان‌شناسی تجربی: خود به عنوان تصویر آینه‌ای	۳۹
دیالکتیک بازشناسی و میل	۴۱
مرحلهٔ آینه‌ای	۴۳
آینه، سینما و تماشاگر	۴۶

- ۴۹..... نقد کریستین متراز آرای بودری
- ۵۱..... لورا مالوی و لذت بصری
۵۲. امر نمادین.....
- ۵۵..... ساختارگرایی
- ۵۶..... کارکرد نمادین.....
- ۵۷..... سوسور (۱۸۵۷-۱۹۱۳) و نشانهٔ زبان شناختی.....
- ۶۳..... اولویت دال.....
- ۶۵..... رومن یاکوبسون (۱۸۹۶-۱۹۸۲).....
- ۶۷..... نظام نمادین.....
- ۶۹..... نامهٔ ربنده شده.....
- ۷۵..... ۳. عقدهٔ ادیپ و معنای فالوس.....
- ۷۶..... عقدهٔ ادیپ.....
- ۷۸..... معنای فالوس.....
- ۸۰..... فالوس خیالی.....
- ۸۱..... فالوس نمادین.....
- ۸۳..... قانون پدر و سوپراگو.....
- ۸۵..... دو پدر.....
- ۸۶..... نژادپرستی، یهودستیزی و امر به لذت!.....
- ۹۳..... ۴. سوژهٔ ناخودآگاه.....
- ۹۴..... شکل‌بندی‌های ناخودآگاه.....
- ۹۶..... ناخودآگاه به عنوان شکاف یا گسست.....

- ناخودآگاه ساختاری مشابه زبان دارد ..... ۹۷  
 ناخودآگاه کلام دیگری بزرگ است ..... ۹۹  
 بیگانه‌شدگی و جداسازی ..... ۱۰۱  
 سوژهٔ لاکانی ..... ۱۰۴  
 رانه ..... ۱۰۶  
 هملت و تراژدی میل ..... ۱۰۹  
 ۵. امر واقع ..... ۱۱۳  
 امر واقع همواره در جای خود قرار دارد ..... ۱۱۴  
 امر واقع به مثابهٔ حد نمادسازی ..... ۱۱۶  
 Das Ding (چیز) ..... ۱۱۷  
 فانتزی ناخودآگاه ..... ۱۱۹  
 فانتزی و ابژهٔ کوچک a ..... ۱۲۱  
 امکان ناپذیری امر واقع و ژوئیسانس ..... ۱۲۳  
 اتاق روشن رولان بارت ..... ۱۲۷  
 استودیوم و پونکتوم ..... ۱۲۸  
 سوگواری برای امر واقع ..... ۱۲۹  
 ۶. تفاوت جنسی ..... ۱۳۳  
 فروید و معمای جنسیت زنانه ..... ۱۳۴  
 فالوس داشتن یا فالوس بودن؟ ..... ۱۳۶  
 زنانگی به مثابهٔ نقاب ..... ۱۳۹  
 زن وجود ندارد ..... ۱۴۲

- تکرار: نظریهٔ شکل‌گیری جنسیت ..... ۱۴۳
- مردانگی ..... ۱۴۵
- زنانگی ..... ۱۴۵
- چیزی به نام رابطهٔ جنسی وجود ندارد ..... ۱۴۷
- عشق باوقار ..... ۱۴۸
- پس از لاکان ..... ۱۵۳
- نظریهٔ اجتماعی ..... ۱۵۳
- فانتزی اجتماعی - ایدئولوژیک ..... ۱۵۵
- فمینیسم ..... ۱۵۸
- ایریگاری و امر خیالی زنانه ..... ۱۶۰
- کریستوا و امر نشانه‌ای ..... ۱۶۲
- همجنس‌گرایانه کردن فالوس ..... ۱۶۴
- نظریهٔ ادبی ..... ۱۶۷
- انتقال و متن ..... ۱۶۹
- نظریهٔ فیلم ..... ۱۷۱
- چشم و نگاه خیره ..... ۱۷۲
- فیلم به مثابهٔ فانتزی ..... ۱۷۴
- منابعی برای مطالعهٔ بیش‌تر ..... ۱۷۷
- آثار ژاک لاکان ..... ۱۷۷
- آثاری در بارهٔ ژاک لاکان ..... ۱۸۰
- درآمدهایی در معرفی لاکان ..... ۱۸۲



۱۸۴.....	لاکان و نظریهٔ فرهنگی
۱۸۸.....	پایگاه اینترنتی
۱۸۹.....	آثار مورد استناد
۱۸۹.....	آثار ژاک لاکان
۱۹۰.....	متون دیگر
۱۹۷.....	نمایه



## چرا لاکان؟

ژاک لاکان (۱۹۰۱-۱۹۸۱) بی‌تردید مهم‌ترین روانکاوپس از زیگموند فروید (۱۸۵۶-۱۹۳۹)، بنیانگذار و پدر روانکاوی است. کار لاکان به طرزی عمیقاً بحث‌انگیز روانکاوی را هم در مقام نظریه ذهن ناخودآگاه و هم در مقام فعالیتی بالینی دگرگون کرده است. اکنون بیش از پنجاه درصد روانکاوان دنیا از روش‌های لاکانی استفاده می‌کنند. در عین حال تأثیر لاکان در فراسوی دیوارهای اتاق معاینه بین اندیشمندان روانکاوی مدرن بی‌نظیر است. تفکر لاکانی امروزه در رشته‌های مطالعات ادبی و سینمایی، مطالعات زنان و نظریه اجتماعی نفوذ کرده است و در حوزه‌های گوناگونی مانند آموزش و پرورش، مطالعات حقوقی و روابط بین‌الملل به کار می‌رود. امروزه برای دانشجوی انسان‌شناسی و علوم اجتماعی غیرممکن است که تا حدی با ایده‌های لاکان درگیر نشود؛ لاکان حتی اگر مستقیماً تأثیر نگذارد، از طریق متفکری دیگر تأثیر می‌گذارد (یا، چنان که خواهیم دید، خون را به جوش می‌آورد). آثاری مانند لذت بصری و سینمای روایی نوشته لورا مالوی (۱۹۷۵) و جنسیت در میدان دید نوشته ژاکلین رز (۱۹۸۵)؛ ادبیات و روانکاوی، مسئله خوانش: به گونه‌ای دیگر نوشته شوشانا فلمن (۱۹۸۲)، و خواندن به قصد پی‌رنگ نوشته پیترو بروکس

(۱۹۹۲)؛ یا فروید و لاکان نوشته لویی آلتوسر (a ۱۹۸۴ [۱۹۶۴]) و ابژه والای ایدئولوژی نوشته اسلاوی ژیزک (۱۹۸۹) اکنون در حوزه‌های مربوط به خود آثاری کلاسیک محسوب می‌شوند.

از چشم‌انداز مطالعات ادبی، منتقدان ادبی فمینیست و مارکسیست با کشف لاکان در اواسط دهه هفتاد میلادی جان تازه‌ای در تجربه نقد روانکاوانه کمابیش در حال احتضار دمیدند و روانکاوی را به جبهه مقدم نظریه انتقادی برگرداندند. پس از جوش و خروش اولیه خوانش‌های فرویدی و پسا فرویدی در ادبیات (در باره خوانش‌های کلاسیک فرویدی نگاه کنید به رایت، ۱۹۹۸)، نقد روانکاوانه به روال فروکاهنده تشخیص الگوهای ادیبی و یافتن نمادپردازی فالوسی در متن نزول کرد. این دریافت لاکانی که ناخودآگاه ساختاری مشابه زبان دارد (فصل ۴ را ببینید) و تلقی او از رابطه میان نظام نمادین و سوژه (فصل ۲ را ببینید) شیوه کاملاً جدیدی برای فهم مانور میل ناخودآگاه در متن ایجاد کرد. هدف نقد روانکاوانه دیگر این نبود که به دنبال نمادهای فالوسی بگردد یا تردید هملت در ستاندن انتقام خون پدرش را به میل جنسی واپس‌زده‌اش نسبت به مادرش ربط دهد (جونز، ۱۹۴۹)، بلکه عبارت از تحلیل روش‌های متجلی شدن امیال ناخودآگاه در متن از طریق زبان بود. بنابراین، تأکید نقد لاکانی بر ناخودآگاه شخصیت یا نویسنده نیست بلکه بر خود متن و رابطه متن با خواننده است. ورود این ایده‌های غالباً عجیب و ناآشنا از پاریس، در مطالعات زنان و سینما کمابیش در حکم استقرار آن‌ها در قالب رشته‌هایی دانشگاهی در دهه هفتاد بوده است. بسیاری از نظریه‌پردازان فیلم، نظریه لاکانی مرحله آینه‌ای و صورت‌بندی آگو نزد او را (فصل اول را ببینید) به عنوان مدلی در باره رابطه میان فیلم روی پرده و چگونگی تأثیرگذاری آن بر بیننده فیلم یا تماشاگر سینما برگزیدند. تصور پیچیده لاکان در باره این‌که چگونه سوژه‌ها در محیط اجتماعی، خود را به عنوان «من» شناسایی می‌کنند روشی مفید برای فهم این موضوع است که

چگونه تماشاگران سینما خود را با تصاویر روی پرده همانند می‌کنند، چیزی که فراتر از صرف عمل تشخیص تصاویر مثبت و منفی (معمولاً تصاویر فعال و مثبت از مردان و تصاویر منفعل و منفی از زنان) است. بسط لاکانی نظریه تفاوت جنسی فروید (فصل ۶ را ببینید) حوزه‌های جدیدی از بحث را در مطالعات زنان و جنسیت گشود. حوزه مطالعات زنان در دهه هفتاد بر جنبه‌های اجتماعی جنسیت متمرکز بود و تأثیرات اجتماعی و خانوادگی را در تربیت و هویت بررسی می‌کرد. روانکاوی لاکانی با برقراری پیوند حیاتی سوبژکتیویته با ناخودآگاه و زبان و نیز با تلقی تفاوت جنسی به عنوان چیزی که در سطح ناخودآگاه ساخته می‌شود به این جریان کمک کرد. سرانجام در حوزه نظریه اجتماعی و روابط بین‌الملل چهره‌هایی مانند اسلاوی ژیتزک، فیلسوف لاکانی اسلوونیایی تأثیر چشمگیری در ارزیابی ما از فرایندها و فانتزی‌های ناخودآگاه نهفته در بنیاد تعارضات اجتماعی و ملی و نژادپرستی، تبعیض جنسی و همجنس‌گراهراسی<sup>۱</sup> داشته‌اند. اصطلاحات و موضوعات مذکور را در فصول بعد شرح خواهم داد و به‌ویژه نحوه کاربرد ایده‌های لاکانی را در حوزه مطالعات ادبی و فرهنگی بررسی خواهم کرد.

حال چگونه می‌توانیم طرح لاکان و سهم او در نظریه‌پردازی را خلاصه کنیم؟ روانکاوی از کار فروید سرچشمه گرفت و تا کنون در نظریه‌های او ریشه داشته است، ولی هر کدام از نسل‌های روانکاوان پس از فروید جویای روزآمدسازی و تصحیح آرای او و حل تناقضاتی بوده‌اند که او بی‌پاسخ باقی گذاشت. لاکان اظهار می‌کرد که روانکاوی بر اثر این بازنگری‌های مداوم، چشم‌انداز اهداف اصلی‌اش را گم کرده است، یعنی واپس‌گرا و محافظه‌کار شده است؛ روانکاوی با کم‌اهمیت جلوه دادن جنبه‌های آزارنده‌تر و ناراحت‌کننده‌تر این نظریه، به‌ویژه حضور پنهان میل واپس‌زده ناخودآگاه در

۱. homophobia: به‌طور کلی به ترس، بی‌زاری یا تبعیض نسبت به همجنس‌گرایی یا همجنس‌گراها اطلاق می‌شود. - م.

زندگی روانی ما، آبرومند شده اما امتیاز اساسی خود را از دست داده است. بنابراین، لاکان در اوایل دهه پنجاه به طرز بسیار عالی بر لزوم «بازگشت به فروید» تصریح کرد؛ به عبارت دیگر، بازگشت به متون اصلی فروید و خوانش و فهم دقیق این متون. او طی ۲۶ سال بعد درگیر این طرح خوانش دقیق شد و در این روند نظریه روانکاوی را بازسازی کرد.

برای درک بهتر طرح مذکور و اهمیت آن باید کار لاکان را در متن یا زمینه گسترش روانکاوی در فرانسه به ایجاز بررسی کنیم. در فصول بعدی فحواي ایده‌های لاکان را با جزئیات بیشتر شرح خواهیم داد، اما پیش از آن‌که از نزدیک به کار او نظر کنیم، مهم است که اجمالی از آن به دست آوریم.

### لاکان در زمینه

لاکان در خانواده کاتولیک مرفهی از طبقه متوسط در محله مونپارناس پاریس بزرگ شد. او به مدرسه کاتولیکی معتبری به نام کولژ استانیسلا رفت و در آن‌جا شاگردی تیزهوش اما نه استثنایی شناخته شد. اما لاکان در درس لاتین و علوم دینی از دیگران بهتر بود. در دوران مدرسه اشتیاقی مادام‌العمر به فلسفه و به‌ویژه آرای باروخ اسپینوزا (۱۶۳۲-۱۶۷۷)، که در درجه اول دلمشغول اندیشه وجود خدا بود در دل او شکل گرفت. اسپینوزا یهودی بود اما بر اثر نظریاتش به عنوان ملحد طرد شد و مسیحیان نیز او را به کفری متهم کردند. لاکان در مدرسه طرحی از کتاب اخلاق اسپینوزای ملحد را که پس از مرگش منتشر شده بود بر دیوار خوابگاهش آویخت - عملی که نظر به تربیت کاتولیکی و تعلق او به طبقه متوسط آشکارا آشوبگرانه بود و غالباً گواه نخستین بر چگونگی نگرش او نسبت به نهادها و مرجعیت تعبیر می‌شود. لاکان پس از اتمام دوران مدرسه به تحصیل در رشته پزشکی روی آورد و در رشته روانپزشکی با علاقه خاص به روان‌پریشی متخصص شد. به نظر می‌آید که آماده بود حرفه معمول روانپزشکی را در پیش گیرد اما در اوایل دهه سی با

دو رخداد فکری سرنوشت‌ساز روبرو شد. اول این‌که او در سال ۱۹۳۰ در نشریه‌ای سوررئالیستی مقاله‌ای در باره «پارانویا» به قلم سالوادور دالی، نقاش نه‌چندان مشهور آن زمان، خواند. رخداد دوم این بود که در ۱۹۳۱ خواندن متون فروید را آغاز کرد. مقدر بود که این دو رخداد لاکان را به درگیری مادام‌العمر با رشته روانکاوی و دگرگون کردن آن سوق دهد.

می‌توان گفت که روانکاوی با فروید و انتشار کتاب تفسیر خواب او در سال ۱۹۰۰ (a) ۱۹۹۱ را ببینید) و کوتاه‌زمانی پس از آن با انتشار متونی از قبیل آسیب‌شناسی روانی زندگی روزمره (b) ۱۹۹۱ [۱۹۰۱]، لطیفه‌ها و ارتباطشان با ناخودآگاه و «سه رساله در باره نظریه جنسیت» (هر دو در ۱۹۰۵؛ c و d) ۱۹۹۱ را ببینید) آغاز شده است. در دهه بیست روانکاوی همزمان با افزایش توجه به این رشته نوپدید، واکنش‌های کاملاً متفاوتی در کشورهای مختلف برانگیخت. در آمریکای شمالی و بریتانیا هر دو صنف روانپزشکان و روان‌شناسان آنچه را فروید از قرار مسموع «طاعون جدید» می‌نامید صمیمانه در آغوش گرفتند. فروید در ادبیات مدرن نیز بسیار تأثیرگذار بود، و به‌ویژه ویرجینیا وولف (۱۸۸۲-۱۹۴۱)، رمان‌نویس و منتقد، و نیز «گروه بلومزبری»، حلقه روشنفکری‌ای که وولف عضو مطرح آن بود، هوادار فروید بودند. اما روانکاوی در فرانسه از همه سو طرد شد: علم، پزشکی، مذهب و سیاست. منتقدی اشاره می‌کند که «فرانسوی‌ها چنان از هر جهت به مخالفت با روانکاوی برخاستند که بهتر است از آن به فرهنگ «ضدروانکاوی» تعبیر کرد (ترکل، ۲۷: ۱۹۹۲). در واقع، روانپزشکی در فرانسه حتی تا اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شصت قاطعانه ضدروانکاوی باقی ماند. مؤسسه روانکاوی فرانسه - به رهبری ماری بناپارت، یکی از اولین شاگردان فروید و از نزدیک‌ترین همکاران او - در پاسخ به چنین مخالفتی بود که اصرار کرد روانکاوی علمی است که اتحاد نزدیکی با پزشکی دارد. بناپارت و

همکارانش در جامعه روانکاوی پاریس (SPP)<sup>۱</sup> بر جنبه‌های زیست‌شناختی و پزشکی روانکاوی تأکید و از علاقه‌مندان به این حرفه تقاضا می‌کردند که ابتدا آموزش پزشکی را از سر بگذرانند.

اما سوررئالیسم مسیر دیگری به سوی روانکاوی به لاکان جوان نشان داد و پیوندی حیاتی با تجربه بالینی او در روانپزشکی برقرار کرد. سوررئالیست‌ها روانکاوی را با آغوش باز پذیرفتند و لاکان در مطالعات پزشکی اش پیوندهای محکمی با این جنبش برقرار کرد. سوررئالیسم جنبشی ادبی و هنری بود که پس از جنگ جهانی اول در پاریس شکل گرفت بنیانگذار آن آندره برتون (۱۸۹۶-۱۹۶۶) نویسنده و شاعر بود. برتون با کار فریود در زمینه رؤیاهای آشنا بود و روشی برای نوشتن «خودبخودی» ابداع کرد تا امکان بیان آزاد اندیشه‌ها و آرزوهای ناخودآگاه را فراهم کند. نقاشان سوررئالیستی مانند دالی نیز کوشیدند «واقعیت» رؤیاهایشان را نقاشی کنند، که آن را بیش از واقعیت ملال‌آور زندگی روزمره واقعی تلقی می‌کردند. لاکان در سال ۱۹۳۲ و با این زمینه فکری رساله دکتری خود را با عنوان روان‌پریشی پارانویایی و ارتباط آن با شخصیت کامل کرد. در همین ایام او نزد رودلف لوونشتاین، معروف‌ترین روانکاو مربی جامعه روانکاوی پاریس، روانکاوی شد (روانکاو مربی روانکاو مورد تأییدی است که صلاحیت تعلیم دیگر روانکاوان عضو جامعه روانکاوی را دارد). روانکاوی شدن لاکان همواره محل بحث منتقدان بوده است از این لحاظ که تا چه میزان موفق بوده و آیا به پایان رسیده است یا نه. گویا رابطه مذکور بسیار «پرتلاطم» بوده و در سال ۱۹۳۸ از روی خصومت به پایان رسیده است. قدر مسلم این‌که لاکان به مدت شش سال روانکاوی شد - که در آن زمان بیش از حد معمول بود - و تحت روانکاوی باقی ماند تا این‌که به عنوان روانکاو مربی پذیرفته شد. پیوند لاکان با سوررئالیست‌ها در

1. Société Psychoanalytique de Paris



این ایام بیش از پیش گسترش یافت. لاکان دوست آندره برتون و سالوادور دالی بود و بعدها پزشک شخصی پابلو پیکاسوی نقاش (۱۸۸۱-۱۹۷۳) شد. او در اولین جلسه عمومی روخوانی اولیس جیمز جویس (۱۸۸۲-۱۹۴۱) در سال ۱۹۲۱ حضور یافت و چهره‌ای آشنا در کافه‌ها و کتاب‌فروشی‌های کرانه‌چپ<sup>۱</sup> پاریس بود. دالی در ۱۹۳۳ در اولین شماره نشریه سوررئالیستی مینوتور<sup>۲</sup> به رساله دکتری لاکان اشاره کرد و لاکان نیز مقالات بسیاری در این نشریه و دیگر نشریات سوررئالیستی انتشار داد.

رساله دکتری لاکان در محیط فرهنگی عمدتاً ضدروانکاوانه نوشته شد و در چارچوب مقولات و نظریات رسمی روانپزشکی قرار گرفت، اما در عین حال از منابع بدیل جنبش سوررئالیستی نیز یاری جست. در دهه پنجاه، لاکان در سمینارهای خود، ایده‌هایش را در مخالفت مستقیم با تأکید زیست‌شناختی ماری بناپارت و «روان‌شناسی آگو» صورت‌بندی می‌کرد. روان‌شناسی آگو در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در ایالات متحد گسترش یافت و به جای تأکید بر انگیزش‌های ناخودآگاه، که مورد نظر روانکاوی کلاسیک بود، بر شیوه‌های تقویت ساز و کارهای دفاعی ضمیر آگاه تأکید کرد. رودلف لوونشتاین، روانکاو مریی لاکان، یکی از بنیانگذاران روان‌شناسی آگو بود که در دهه چهل از چنگ نازی‌ها گریخت. لاکان هر دو نفر را خائن به روانکاوی می‌دانست. او به شدت با شرط SPP مبنی بر لزوم آموزش پزشکی روانکاوان مخالف بود و روانکاوی را بیش‌تر با فلسفه و هنر و بعدها ریاضیات همداستان می‌دانست تا با پزشکی. فعالیت لاکان از همان

---

۱. (La Rive Gauche) Left Bank: کرانه جنوبی رود سن در پاریس. رود سن که به سمت غرب جریان دارد، پاریس را به دو نیمه تقسیم می‌کند. نیمه راست در سمت شمال Rive Droite و نیمه دیگر در سمت جنوب Rive Gauche نام دارد. کرانه چپ پاتوق هنرمندان، نویسندگان و فلاسفه‌ای چون پابلو پیکاسو، آرتور رمبو، ژان-پل سارتر، ارنست همینگوی، پل سزان و پل ورلن بوده است. بولوار سن ژرمن و بولوار سن میشل از مشهورترین خیابان‌های آن هستند. - م.

ابتدا از طرفی به جنبه‌های بالینی و از طرف دیگر به فهم عمیق فرهنگی ناخودآگاه و بیماری روانی متکی بود. سنت فرانسوی، برخلاف روانپزشکی و روان‌شناسی انگلیسی - آمریکایی، همواره عنصری بیش‌تر شاعرانه و زیبایی‌شناسانه را در خود حفظ کرده است. شاید این دلیل دیگری برای نفوذ گستردهٔ روانکاوی فرانسوی در رشته‌های علوم انسانی در دههٔ هفتاد باشد. هرچند آرای لاکان سرانجام پرنفوذ بود، او از همان آغاز فعالیت حرفه‌ای‌اش با نهادهای روانکاوی درافتاد. در واقع از همان اولین آثارش، نام «لاکان» با برخی از بی‌رحمانه‌ترین انتقادهای، که احتمالاً به آن‌ها برمی‌خورید، همراه بوده است. در کتابی مقدماتی که این موضوع را مطرح می‌کند که چرا لاکان ارزش خواندن دارد و تلاش می‌کند خواننده را در بارهٔ تأثیر او مطلع سازد باید دست‌کم به ایجاز به مسئلهٔ شهرت لاکان و به‌ویژه شهرت او به دشواری پرداخت.

## آوازهٔ بحث‌انگیز

این گفته که لاکان شخصیتی بحث‌انگیز است ملایم‌ترین وصف ممکن است. او معلمی پرجذبه بود و زندگی‌نامه‌نویسانش اغلب فردی خودنما، جذاب و تا اندازه‌ای قرتی توصیفش می‌کنند. لاکان بی‌تردید جذاب بود و به جلب وفاداری بی‌شائبهٔ مریدان و طرفداران خود ادامه داد. او در عین حال بی‌اندازه جاه‌طلب، مغرور و اقتدارگرا بود (رودینسکو، ۱۹۹۹ را ببینید). لاکان نیز مانند همهٔ چهره‌های پرجذبه به همان اندازه که حمایت می‌شد آماج طعنه‌ها و حمله‌ها بود. برای مثال، ریموند تالیس در نقد و بررسی زندگی‌نامهٔ لاکان نوشتهٔ الیزابت رودینسکو - رودینسکو بی‌تردید یکی از بهترین صاحب‌نظران در حوزهٔ تاریخ روانکاوی فرانسه است - در نشریهٔ *The Times Higher Education Supplement*<sup>۱</sup> سخنش را این‌طور آغاز می‌کند:

۱. *Times Higher Education*: تا سال ۲۰۰۸ تحت عنوان *The Times Higher Education Supplement*

مورخان آینده‌ای که به جستجوی دغلبازی‌های سازمان‌یافته تحت عنوان «نظریه» می‌پردازند بی‌تردید جایگاهی درخور برای تأثیر روانکاو فرانسوی، ژاک لاکان، قائل می‌شوند. او یکی از پرورترین عنکبوت‌ها در دل شبکه‌اندیشه‌های پریشان و به کلی فهم‌ناپذیر و اظهارات بدون شاهد بی‌حد و مرز است، که نظریه‌پردازان از آن‌ها علوم انسانی خودشان را بافته‌اند. بخش زیادی از عقاید جزمی محوری در نظریات معاصر از او ناشی شده است.

(تالیس، ۲۰:۱۹۹۷)

تالیس نقد خود را با تأکید بر این مطلب پیش می‌برد که نظریه لاکان مبنای تجربی ندارد، و حمله بی‌رحمانه خود را متوجه زندگی خصوصی لاکان می‌کند. نقد مذکور سرانجام با این ادعا به پایان می‌رسد که این «میراث جنون‌آمیز» اکنون در گروه‌های آموزشی ادبیات انگلیسی به زندگی خود ادامه می‌دهد که «ساکناش»<sup>۱</sup> تظاهر می‌کنند از آن سر در می‌آورند:

شاید هواخواهان لاکان ادعا کنند که بنای عظیم مکتوبات<sup>۲</sup> با افشاگری‌هایی در باره زندگی خصوصی او تخریب نمی‌شود: اندیشه‌های استاد را باید بر مبنای ارزش خود آن‌ها داوری کرد. اما حجیت اندیشه در غیاب هرگونه مبنای منطقی یا شواهد تجربی، تقریباً به طور کامل متکی به حجیت شخص است.

(تالیس، ۲۰:۱۹۹۷)

جنبه جالب نقد و بررسی مذکور از چشم‌انداز روانکاوانه، بیمار دانستن لاکان و خوانندگان اوست؛ به عبارت دیگر، اصرار منتقد، ریموند تالیس، بر این‌که هم لاکان به عنوان روانکاو بیمار روانی است و هم ما به عنوان دانشجو و

---

→ به صورت روزنامه منتشر می‌شد و از آن پس در قالب نشریه منتشر می‌شود. این نشریه عمدتاً به مسائل آموزش عالی اختصاص دارد. - م.

۱. inmate در عین حال به معنی بیمار است. - م.

خواننده آثار او اگر تظاهر به فهم آن چیزی کنیم که در باره اش حرف می‌زنیم (چون البته هیچ معنی‌ای وجود ندارد که به آن منسوب کنیم) به نحوی بیمار روانی هستیم. ما مانند بیماران روانی هستیم که در تیمارستان حبس شده‌ایم و توهومات پارانویایی خود را بر دیگران تحمیل می‌کنیم. نقد مذکور به عنوان راهبردی بر اساس زبان‌بازی (راهبردی اقتناعی) بسیار مؤثر است، زیرا در آن مسلم فرض شده است که نویسنده این نوشته، حقیقت را قاطعانه در مشت دارد و هر چه می‌گوید و می‌کند معقول، منطقی و مبتنی بر مستندات است. راهبرد مذکور به نحو مؤثری منتقد را نسبت به آن‌هایی که با خواندن لاکان به طرزی رقت‌بار گمراه شده‌اند بر تخت تفوق و ارجحیت می‌نشانند.

این نقد دو موضوع مهم را پیش می‌کشد که اگر بخواهیم دستاوردهای روانکاوی و لاکان را در فهممان از متون فرهنگی ارزیابی کنیم باید به آن‌ها بپردازیم. اول، روانکاوی از آغاز همواره مورد حمله بوده است به این عنوان که پایه استواری در واقعیت ندارد و بنابراین به این عنوان که اثبات‌شدنی نیست. همچنین، در حمله‌های مذکور عموماً اصرار می‌ورزند که زندگی روانکاوان را می‌توان همچون گواه بی‌اعتباری نظریاتشان به کار برد. دوم، روانکاوی دقیقاً فرضیات نهفته در پس این نقد را زیر سؤال می‌برد: این فرض که نظریات و دیدگاه‌های ما در باره جهان از موقعیت ما به عنوان سوژه‌های درون این جهان مجزاست. به عبارت دیگر، روانکاوی این تلقی را زیر سؤال می‌برد که ما موجودات عینی کاملاً منطقی هستیم و همه کارهایمان را به طرزی کاملاً منطقی و معقول انجام می‌دهیم. سروکار روانکاوی با این نیست که چه چیزی منطقی است، چه چیزی معقول است و چه چیزی آگاهانه است؛ درست برعکس، سروکار روانکاوی با این است که چه چیزی غیرمنطقی است، چه چیزی غیرعقلانی است و چه چیزی ناخودآگاهانه است. روانکاوی به آن جنبه‌هایی از اندیشه و رفتار نظر می‌کند که نمی‌توانیم آن‌ها را عقلانی یا آگاهانه تلقی کنیم. کتاب حاضر محل بحث در باره

سودمندی روانکاو و این که آیا اثبات یا عدم اثبات نظریه به لحاظ تجربی امکان دارد نیست. اما کاری که من می‌کنم این است که آرای لاکان را با توجه به «محاسن و معایب خود آن‌ها» بررسی و در بارهٔ این آرا در زمینه یا متن خودشان، یعنی در متن کار فروید، تاریخ روانکاوی و حیات روشنفکری فرانسه داوری می‌کنم. در این کار نشان خواهم داد که هرچند آرای لاکان ممکن است اغلب متناقض‌نما و گریزپا باشد و برخی را کلافه کند، خواندن و بازخواندن دقیق متون او منفعت زیادی نصیب خواننده می‌کند. لاکان، مانند فروید، نحوهٔ تفکر ما را در بارهٔ خودمان و جایگاهمان در زندگی اجتماعی دگرگون کرده است.

## خواندن لاکان

هنگامی که برای اولین بار کتابی از فروید را در دست می‌گیرید، هر چقدر هم که ایده‌های موجود در متن را نامعمول و غامض بیابید، دشوار می‌توانید خود را از لذتی که از خود متن می‌برید برکنار دارید. خواندن فروید، به‌ویژه مطالعات موردی و آثار نظریه‌پردازانه‌اش در بارهٔ هنر، جامعه و دین، مانند خواندن رمان‌های خوب کارآگاهی است. در واقع، رمان کارآگاهی یکی از گونه‌های ادبی محبوب فروید و یکی از نظایر یا بدیل‌های مورد علاقهٔ او برای تحلیل بود. حتی اگر با استدلال‌های فروید قانع نشوید، مسحور داستانی می‌شوید که او تعریف می‌کند. وضعیت در مورد لاکان بسیار متفاوت است. همان‌طور که منتقدان خشمگین از پیش اعلام کرده‌اند، هنگامی که برای اولین بار کتابی از لاکان را به دست می‌گیرید، حتی با معیارهای نظریهٔ ادبی و فرهنگی معاصر با متنی فشرده، پیچیده، گنگ و از قرار معلوم درک‌ناشدنی مواجه می‌شوید. چرا این‌طور است؟

ایده‌های لاکانی برای اولین بار با انتشار همزمان دو متن، در دانشکده‌های علوم انسانی دانشگاه‌های بریتانیا مطرح شد: ترجمه‌های آلن شریدان از

مکتوبات: گزیده و چهار مفهوم بنیادی روان - کاوی که هر دو در سال ۱۹۷۷ در انگلستان انتشار یافت. برای بسیاری از دانشجویان، این دو متن مجال اولین آشنایی آن‌ها با لاکان بوده است و مقالاتی از مکتوبات، مانند «مرحله آینه‌ای» و «دلالت فالوس» در شمار آن دسته از آثار لاکان بوده‌اند که بارها منتشر شده‌اند و در منتخب آثار او جای گرفته‌اند. اما در هر دو متن مذکور دشواری‌های ویژه خواندن آثار لاکان وجود دارد.

لاکان در درجه نخست و بیش از هر چیز پزشک بالینی و سپس معلم بود. او فردی دانشگاهی یا نویسنده نبود و عمیقاً به دانشگاه و آنچه کلام دانشگاه می‌نامید بدگمان بود. به انتشار آثارش نیز بدگمان بود و در اواخر دوران فعالیت حرفه‌ای‌اش، در سمینار بیستم به مکتوبات با عنوان *poubelication* اشاره می‌کرد، جناسی که از ترکیب *poubelle* (سطل آشغال) و *publication* (انتشار) حاصل می‌شود. لاکان در سال ۱۹۵۳ سمینارهای عمومی دو هفته یک‌بار را در بیمارستان سنت آن، بیمارستان روانی محل کارش، آغاز کرد (او در دو سال قبل از آن درسگفتارهای هفتگی خصوصی‌ای در آپارتمان سیلویا باتای، همسر فیلسوف و نویسنده ژرژ باتای (۱۸۹۷-۱۹۶۲) و سپس همسر دوم لاکان، ایراد کرده بود). سمینارها به مدت ۲۶ سال ادامه یافت. او هر سال متن یا ایده‌ای از فروید را انتخاب می‌کرد و سمینار را به مطالعه آن اختصاص می‌داد. بسیاری از این سمینارها به همت ژاک آلن میلر به عنوان سروراستار از یادداشت‌ها و رونوشت‌های دانشجویان سابق لاکان بازسازی و تعداد روزافزونی از آن‌ها ترجمه شده است (برای آگاهی از جزئیات، بخش «منابعی برای مطالعه بیشتر» را ببینید). مقالاتی که در نسخه انگلیسی مکتوبات گرد آمده است گزیده‌ای در حدود یک سوم چاپ فرانسه کتاب است و اغلب نمایشگر خلاصه یا نتیجه ایده‌هایی است که لاکان در طول یک سال کامل ارائه سمینار گسترش داده است. بنابراین، مکتوبات را نباید به عنوان مقدمه‌ای بر آرای لاکان خواند، بلکه این اثر بیان بسیار فشرده آرای او برای

کسانی است که از پیش با آن‌ها آشنا نبینند. آن‌هایی که می‌خواهند برای اولین بار لاکان بخوانند بهتر است ابتدا از سمینارهای اول، شامل مجلدهای یک، دو، سه و هفت شروع کنند که اکنون وسیعاً در دسترس است. باید توجه داشت که آرای لاکان، مانند آرای هر متفکر نوآور دیگری، ایستا نیست، بلکه در طول زندگی‌اش تغییر کرده و گسترش یافته است. این سمینارهای ابتدایی اولین مرحله سیر لاکان را که «ساختارگرایانه» است نشان می‌دهند (فصل ۲ را ببینید)، و بیش‌تر کارهای جذابی که اکنون در حوزه مطالعات لاکانی انجام می‌شود بر آرای واپسین او در دهه‌های شصت و هفتاد استوار است. این تغییر ارزیابی ما از لاکان، در تأکیدی که بر آرای متأخر او در نیمه دوم این کتاب صورت گرفته، انعکاس یافته است. دشواری دیگر در خواندن لاکان از آن‌جا ناشی می‌شود که او پس از معرفی مفاهیمی چون ابژه کوچک a، دیگری بزرگ، امر واقع [یا ساحت واقع] یا فالوس، این اصطلاحات را در نوشته‌های خود حفظ می‌کند اما به تدریج معنی آن‌ها را تغییر می‌دهد. بنابراین، مفاهیم لاکانی هم‌زمان با گسترش تفکر او سطوح معنایی متفاوتی کسب می‌کنند، اما او هرگز معنی اصلی آن‌ها را رها نمی‌کند. بنابراین، امکان به دست دادن تعریف ساده‌ای از اصطلاحات لاکانی وجود ندارد، چراکه آن‌ها مطابق سه ساحت لاکانی - خیالی، نمادین و واقع - و در مراحل مختلف تدریس لاکان کارکرد متفاوتی دارند.

متن دوم، که در سال ۱۹۷۷ ترجمه شد، موضوعاتی نسبتاً متفاوت را پیش روی ما قرار می‌دهد. چهار مفهوم بنیادی روانکاوی در واقع رونوشت مجموعه سمینارهای یازدهم لاکان است. سمینار مذکور یکی از مهم‌ترین سمینارهای لاکان است و در میان آرای او مقامی محوری دارد؛ متن این سمینار بسیار فشرده و خواندن آن دشوار است. در این مورد هم دلایل خاصی وجود دارد. سمینار در سال ۱۹۶۴ ارائه شد و لحظه‌ای مهم را در دوران فعالیت حرفه‌ای و گسترش اندیشه لاکان رقم زد. لاکان سرانجام در سال ۱۹۶۳ از نهادهای

روانکاوی گسست و مدرسه خود را بنیان گذارد. سمینار یازدهم به یک معنا اولین بیانیه رسمی در باره جهت‌گیری جدیدش بود. در سال ۱۹۵۳ جمعی از روانکاوان از جمله لاکان بر سر موضوع آموزش و پزشکی سازی روانکاوی از جامعه روانکاوی پاریس (SPP) جدا شدند و جامعه فرانسوی روانکاوی (SFP)<sup>۱</sup> را بنیان گذاردند. این روانکاوان در آن زمان در نیافتند که با ترک جامعه «رسمی» در واقع از انجمن بین‌المللی روانکاوی (IPA)<sup>۲</sup> نیز جدا شده‌اند. SFP در طول ده سال بعد مشغول مذاکره با IPA بود تا جامعه جدید خود را رسمی کند، چراکه در غیر این صورت اعضای جامعه نمی‌توانستند خود را روانکاوی یا درمانگر بنامند. IPA سرانجام در سال ۱۹۶۳ درخواست SFP برای عضویت مجدد را رد کرد و لاکان به همراه عده‌ای دیگر از IPA اخراج شد. SFP در همان سال انشعاب کرد و لاکان مدرسه روانکاوی خود، مدرسه فرویدی پاریس (EFP)<sup>۳</sup> را بنیان نهاد. لاکان در نتیجه جدایی از SFP مجبور شد سمینارهایش را در جایی بجز بیمارستان روانی سنت آن برگزار کند و به دعوت فیلسوف مارکسیست، لویی آلتوسر (۱۹۱۸-۱۹۹۰)، که در همان سال مقاله مهمی در باره فروید و لاکان منتشر کرده بود، سمینارهایش را در اکول نرمال سوپریور<sup>۴</sup> (ENS) برگزار کرد. ENS یکی از مؤسسات نخبه در نظام آموزشی فرانسه است و لاکان در آن‌جا با مخاطبان کاملاً جدیدی برای نظریاتش روبرو شد. همچنین، در همین ایام، روانکاوی، تا حدودی بر اثر مقاله آلتوسر، گسترش یافت و بیش از پیش در میان روشنفکران و حیات فکری پاریس پذیرفته شد. اما عزیمت لاکان پاره‌ای مسائل نظری برای او ایجاد کرد. سمینارهای او در ده سال گذشته با تمرکز بر خوانش و شرح دقیق

- 
1. Société Française de Psychanalyse
  2. International Psycho-Analytical Association
  3. École Freudienne de Paris
  4. École Normale Supérieure



آرای فروید، متوجه مخاطبان روانپزشک و روانکاو بود. اکنون دانشجویان، فعالان سیاسی، فیلسوفان، نویسندگان و پژوهندگان فرهنگ را مخاطب قرار می‌داد. بنابراین، حال چگونه می‌توانست در عین وفاداری به آن چیزی که بنیادستیزی روانکاوی تلقی می‌کرد، آن آموزه‌ها را در نظام دانشگاهی تدریس کند؟ لاکان در سمینار یازدهم برای اولین بار از شرح آرای فروید دست کشید و دریافت خود از روانکاوی را بسط داد. به عبارت دیگر، او بسط و گسترش آنچه را اکنون به عنوان نظریهٔ لاکانی ناخودآگاه، میل، انتقال، و رانه (چهار مفهوم بنیادی روانکاوی) می‌شناسیم آغاز کرد. در همین ایام بود که سمینارها پیچیده‌تر و مبهم‌تر شدند و با افزایش تعداد مخاطبان آن‌ها به بیش از یک‌هزار نفر در آخرین سال، بر دشواری و پیچیدگی ایده‌ها و صورت‌بندی‌های لاکان نیز افزوده شد. بنابراین، هنگام خواندن لاکان باید به خاطر داشت که موضوع سبک نگارش او و دشواری نوشته‌هایش زائد یا صرفاً بی‌جهت نیست. برای روانکاو شدن باید فرایند درازمدت آموزش، سرپرستی و از همه مهم‌تر روانکاوی شدن را از سر گذرانند. روانکاوی را نمی‌توان در کلاس درس یا اتاق سمینار آموخت. دشواری سبک لاکان تا اندازه‌ای به سبب میل خودآگاهش به مقاومت نسبت به هرگونه جذب و بازیابی سادهٔ ایده‌های اوست. لاکان در سمینار بیستم می‌گوید:

کمابیش مشهور است که مکتوبات را نمی‌توان به سهولت خواند. می‌توانم اعترافی شرح‌حال‌گونه کنم — من نیز دقیقاً همین نظر را داشتم. تصور می‌کردم، شاید کمی زیاده‌روی بود، تصور می‌کردم آن مقالات برای خواندن نوشته نشده‌اند.

(۲۶: [۱۹۷۵] ۱۹۹۸)

جنبهٔ دوم دشواری خواندن آثار لاکان مشخصاً به موضوع بررسی او، یعنی ناخودآگاه، مربوط است.

از نظر فروید، ناخودآگاه قلمروی است که زمان یا تناقض نمی‌شناسد.

ناخودآگاه قلمرو آرزوها و فانتزی‌های واپس‌زده است؛ ناخودآگاه قلمروی فاقد نحو یا دستور زبان است. پس، در واقع، چگونه می‌توانیم از آرزوها و امیال ناخودآگاه سخن بگوییم؟ برای سخن گفتن از میل ناخودآگاه باید آن را به آگاهی ترجمه کنیم و ناخودآگاه بر حسب تعریف آن چیزی است که از آگاهی طرد می‌شود و دوباره احضار نمی‌شود. به عبارت دیگر، ناخودآگاه آن چیزی است که از زبان حذف می‌شود. این وضع تناقض‌ناظرانه نظریه‌پرداز و روانکاو را در وضعیتی بغرنج قرار می‌دهد، زیرا چگونه می‌توانیم از آرزوها و امیال ناخودآگاه سخن بگوییم اگر قادر نیستیم آن‌ها را در قالب زبان بگنجانیم؟ از نظر فروید، ما می‌توانیم طرز کار ناخودآگاه را از طریق اضطراب‌ها و هراس‌هایمان بفهمیم. همچنین، می‌توانیم آثار آن را در رؤیاهای لطیفه‌ها، لغزش‌های زبانی و آثار هنری کشف کنیم (به عنوان مقدمه‌ای بر فروید کتاب *تیرشول*، ۲۰۰۰ را ببینید). به عبارت دیگر، ما طرز کار ناخودآگاه را درست در آن لحظاتی کشف می‌کنیم که ضمیر آگاهمان در حداقل هشیاری و کنش برای واپس‌زدن تفکرات و امیال ناخواسته به سر می‌برد. لاکان در اوایل کار خود بر این حوزه از آرای فروید متمرکز شد و به‌ویژه از نزدیک به متون او در موضوعات زبان و تفسیر نظر کرد: تفسیر خواب (۱۹۹۱a [۱۹۰۰])، آسیب‌شناسی روانی زندگی روزمره (۱۹۹۱b [۱۹۰۱]) و لطیفه‌ها و ارتباطشان با ناخودآگاه (۱۹۹۱c [۱۹۰۵]). لاکان به دنبال حل تناقض‌نمایی بود که روانکاوی همواره با آن مواجه می‌شود: اگر فرض کنیم که روانکاوی کلام ناخودآگاه یا کلامی در باره ناخودآگاه است، بنابراین کلامی است که بر چیزی که همواره در فراسوی آن قرار دارد استوار است. سبک خود لاکان یکی از راه‌های پرداختن او به این موضوع است، به این معنا که نوشتار او تلاشی برای بیان آن چیزی است که اساساً بیان‌شدنی نیست. خلاصه، لاکان می‌کوشد از طریق ساختار زبان چیزی را به روشنی بیان کند که در فراسوی خود زبان باقی می‌ماند: قلمرو میل ناخودآگاه. نوشته‌های او تلاشی برای

و ادار کردن خواننده به رویارویی با حد و مرزهای معنا و فهم و تصدیق این دورنمای عمیقاً آزارنده است که در پشت هر معنایی، بی‌معنایی و در پس هر درایتی، یاهو نهفته است. بنابراین، نثر لاکان «اغلب پیرو قوانین ناخودآگاه است به همان شیوه‌ای که فروید مشخص کرده است - نثر او مملو از جناس‌ها، لطیفه‌ها، استعاره‌ها، طعنه‌ها و تناقض‌هاست، و فرم آن شباهت‌های بسیاری با نوشته‌های روان‌پزشانه دارد» (بنونوتو و کندی، ۱۲: ۱۹۸۶). لاکان را نباید خیلی جدی گرفت: جناس‌ها، بازی با کلمات و شیوه سخن گفتن گریزان و غیرمستقیم زائد نیست بلکه در فهم کار او ضروری است. این سبک نوشتن را کرداری<sup>۱</sup> می‌نامند - که می‌کوشد معنا را از طریق ارائه و نحو برساند. منتقدی اظهار کرده است که لاکان می‌خواسته است «انتقال مطالبش به‌طور مستقیم با ناخودآگاه سخن بگوید و معتقد بود که بازی با کلمات، در جایی که پیوندهای علی محو می‌شوند و تداعی‌ها به‌فوق وجود دارند، زبانی است که ناخودآگاه آن را می‌فهمد» (ترکل، ۵۵: ۱۹۹۲). دفعه بعدی که لاکان می‌خوانید و می‌خواهید که کتاب را به گوشه اتاق پرت کنید، لحظه‌ای درنگ کنید و ببینید متن با شما چه می‌کند. به احساس خود در آن لحظه و تأثیری که زبان بر شما دارد فکر کنید. هنگامی که در باره این فرایند تأمل می‌کنید متن به هدف خود رسیده است؛ ناخودآگاه دارد کار می‌کند.

## این کتاب

بخش بعد، «ایده‌های اصلی»، برخی از نافذترین اجزای اندیشه لاکان را با قرار دادن آن‌ها در زمینه پدید آمدنشان به شما معرفی می‌کند، تا در فهم آن چیزی کمکتان کند که ممکن است در ابتدا نظریه‌ای عجیب و پیچیده به نظر

آید. فصول این بخش بسیاری از آن اصطلاحات اصلی را که امروزه در روانکاوی به کار می‌روند دربرمی‌گیرد، اما تأکید من بیش‌تر بر ایده‌هایی است که به‌طور گسترده در ادبیات و مطالعات فرهنگی به کار رفته‌اند، از جمله امر [یا ساحت] خیالی، امر نمادین و امر واقع، مرحله آینه‌ای، سوژه ناخودآگاه، ناخودآگاه ساختاری مشابه زبان دارد، فالوس، فانتزی، ژوئیسانس و تفاوت جنسی. در باره نمودارهای لاکان و «متم‌ها»<sup>۱</sup> یا «چهار کلام»<sup>۲</sup> او چیزی نخواهم گفت، چراکه ایده‌های مزبور به‌طور گسترده در مطالعات ادبی و فرهنگی به کار نرفته‌اند. هر فصل این بخش با مثالی در باره چگونگی کاربرد این ایده‌ها در ادبیات، نظریه فیلم یا نظریه اجتماعی به پایان می‌رسد. فصل «پس از لاکان» دامنه این مثال‌ها را گسترش می‌دهد تا در مورد شیوه‌های مختلف رایج کاربرد آرای لاکان در تحلیل فیلم و متن و نیز در نظریه سیاسی و اجتماعی بحث کند.

روانکاوی لاکانی نظریه‌ای ایستا نیست و پس از مرگ لاکان همچنان گسترش یافته است. او در سال ۱۹۸۰، یک سال پیش از مرگش، EFP، مدرسه خود را منحل و مدرسه آرمان فرویدی<sup>۳</sup> (ECF) را تأسیس کرد. این مدرسه و شکل‌بندی‌های متعاقب آن را داماد لاکان، ژاک - آلن میلر، مدیریت می‌کند. میلر به عنوان سرویراستار سمینارهای لاکان و مهم‌تر از آن از طریق سمینار خودش، خوانش «متعارف» لاکان و صورت‌بندی و نظام‌مند کردن مفاهیم او را آغاز کرد. من در درآمد حاضر از آثار او و همکار نزدیکش بروس فینک، دانشگاهی و روانکاو آمریکای شمالی، کمک گرفته‌ام. درآمدهای فینک در باره لاکان به شکلی بسیار تنگاتنگ، سمینار میلر را پی می‌گیرد و از این جهت خواندن آن از خواندن نوشته‌های لاکان بسیار آسان‌تر است. اما متون فینک و میلر در تلاش برای یک‌دست کردن ایده‌های لاکان و ارائه آن‌ها

1. mathemes

2. four discourses

3. École de la Cause Freudienne

به شکلی منسجم، لبه تیز انتقادی و خشنی را که خواندن لاکان را همواره این چنین جالب می‌کند از دست می‌دهند. بنابراین، من توضیحات فینک و نوشته‌های لاکان را کنار هم می‌گذارم تا بتوانید سبک ویژه لاکان را حس کنید. جزئیات کامل درآمدهای فینک و متون لاکان و نیز توضیح مختصری در باره درآمدهای انتقادی مفید دیگر در بخش «منابعی برای مطالعه بیشتر» در انتهای کتاب آمده است. در سرتاسر کتاب متوجه تاریخ‌های جدید مآخذ متون لاکان خواهید شد. من از ترجمه‌های اخیر متون لاکان نقل قول کرده‌ام، که همگی در بخش «آثار مورد استناد» فهرست شده‌اند. تاریخ اولیه انتشار آثار لاکان را در متن آورده‌ام، گرچه بخش «منابعی برای مطالعه بیشتر» نیز جزئیات انتشار اولیه آثار را در اختیار شما می‌گذارد.

